

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۱
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



افغانستان و پاکستان

مقدمه

در سال ۱۳۹۱ در کنار مسائل قاچاق سوخت و مواد مخدر و نفوذ تروریست‌ها به خاک ایران که به پدیده‌های امنیتی نسبتاً ثابتی در مرزهای شرقی ایران تبدیل شده‌اند، دو همسایه شرقی ایران به ویژه افغانستان در سطح داخلی و در روابط دوجانبه با ایران، تحولات مهمی را شاهد بوده‌اند که به لحاظ امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت فراوان است. برخی از مهم‌ترین این تحولات در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

افغانستان

افغانستان به عنوان یکی از کشورهای همسایه، هم‌کیش و دارای ریشه‌های فرهنگی مشترک با ایران همواره در محاسبات سیاسی و امنیتی ایران از اهمیت برخوردار بوده و به ویژه پس از سقوط طالبان انتظار می‌رفت روابط دو کشور بر مبنای صلح و دوستی و برادری پایه‌گذاری شود. با این حال، گذشت زمان نشان داده است تحولات داخلی این کشور کاملاً به نفع و مطابق میل ایران به پیش نمی‌رود تا آنجا که به ویژه در سال ۱۳۹۱ در روابط دو کشور و همچنین جهت‌گیری‌های فکری داخلی افغانستان شاهد رویدادهای نگران‌کننده‌ای نسبت به ایران بوده‌ایم. ماه‌های آغازین این سال با بحث پیرامون پیمان راهبردی افغانستان و آمریکا آغاز شد، امری که موجب نگرانی ایران به عنوان کشور همسایه و مخالف حضور آمریکا در منطقه شد. به

**حکومت افغانستان در
شهریورماه به درخواست
آمریکا برای قطع روابط
با بیست و چهار شرکت
و چندین بانک ایرانی
و عدم استفاده از راه
ترانزیتی آبی بندرعباس و
تهدید آنها به فرارگرفتن
در لیست سیاه آمریکا
جواب رد داد**

دنبال این مخالفت‌ها، مقامات افغانستان و برخی از جریان‌های داخلی این کشور ایران را به مداخله در امور داخلی افغانستان متهم کردند و علیه ایران دست به اعتراض و راه‌پیمایی زدند. این کنش و واکنش بین ایران و افغانستان با تصویب پیمان مربوطه در پارلمان افغانستان در خردادماه تشدید شد و حتی قول وزیر خارجه افغانستان مبنی بر این که به موجب این معاهده خاک افغانستان برای تهدید کشورهای همسایه استفاده نخواهد شد نیز از نگرانی‌های ایران نکاست، به ویژه آنکه آمریکا در تیرماه و در آستانه نشست توکیو برای کمک‌های اقتصادی به افغانستان با معرفی افغانستان به عنوان "پانزدهمین متحد آمریکا در خارج از ناتو" تمام تلاش خود را برای ترغیب مقامات این کشور به امضای نهایی این پیمان به کار بسته بود. به همین علت نیز ایران تلاش کرد با فعال کردن دیپلماسی منطقه‌ای خود دیگر کشورهای ناراضی از حضور آمریکا را با خود همراه کند و در این راستا هند را برگزید. هند قبلاً نیز با کمک‌های گسترده اقتصادی و همچنین برگزاری نشست دهلی‌نو برای سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان (در تیرماه ۱۳۹۱) انگیزه خود را برای گسترش همکاری با افغانستان و رقابت با پاکستان و چین - و شاید ایران هم - نشان داده بود. از این رو، در اواسط دی‌ماه و در آستانه سفر حامد کرزی به آمریکا سعید جلیلی به هند و افغانستان سفر کرد و تلاش کرد مقامات افغان را به تجدید نظر در الگوی همکاری‌های بین‌المللی خود ترغیب کند و همکاری منطقه‌ای را به عنوان جایگزینی برای حضور آمریکا ارائه دهد. این سفر نتایج ملموسی از جمله به تعویق انداختن توافق کرزی با اوباما در خصوص برخی مسائل بحث‌برانگیز پیمان مزبور (مصونیت قضایی سربازان آمریکایی و تهداد نیروهای نظامی آمریکا) را به دنبال داشت. با این حال، خطر پیمان راهبردی را به طور کلی برطرف نکرد.

سال ۱۳۹۱ همچنین با تلاش‌های دولت افغانستان، قدرت‌های بین‌المللی و همچنین کشورهای منطقه برای به جریان انداختن مذاکرات صلح طالبان با نیروهای افغان همراه بود. مذاکرات غیررسمی نیروهای طالبان و نمایندگان افغانستان در پاریس و به دنبال آن، مذاکرات در کیوتو (کنفرانس صلح و آشتی) در تیرماه با حمایت آمریکا، نشست سه‌جانبه افغانستان، پاکستان و انگلیس در لندن و همچنین، هفتمین نشست افغانستان و پاکستان و ترکیه در آنکارا که با ابتکار ترکیه برگزار شد، از جمله این تلاش‌ها بودند. این تلاش‌ها اگرچه به لحاظ نتیجه نهایی که استقرار صلح در افغانستان و پاکستان است برای ایران ارزشمند هستند، اما از آنجا که گویای نادیده گرفته‌شدن ایران در مذاکرات، نقش آفرینی بیشتر کشور ترکیه در مقایسه با ایران، و کم‌تحرکی دستگاه دیپلماسی کشور در تأثیرگذاری بر فرایند صلح در این منطقه هستند، برای کشور ما نگران‌کننده و تأسف بار هستند. ضمن آنکه بر اساس برخی از مضامین مذاکرات فوق و همچنین، اخبار منتشرشده در اواخر سال ۱۳۹۱ دولت کرزی به

واگذاری بخشی از افغانستان و حتی واگذاری دادستانی و وزارت عدلیه این کشور به طالبان ترغیب شده است که نتیجه احتمالی این اقدام- گسترش مجدد اندیشه‌های سلفی و اسلام‌گرایی افراطی- در جوار ایران- تهدیداتی را برای ایران به دنبال خواهد داشت.

در سال ۱۳۹۱ همچنین وقوع اعتراضات پی‌درپی علیه ایران در کنار قتل یک دختر در یزد توسط مهاجران افغان باعث شد وزارت خارجه ایران ضمن احضار کاردار افغانستان در تیرماه، مراتب اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به جوسازی‌های منفی رسانه‌های افغان راجع به بدرفتاری ایران با مهاجران افغان اعلام کند. با این حال دامنه این سوءتفاهم‌ها به این حد محدود نماند و در مردادماه، به دنبال وقوع اقدامات تروریستی در ولایت نیمروز افغانستان، نمایندگان مجلس افغانستان ایران را به دست داشتن در این اقدامات تروریستی متهم کردند و سه ایرانی در این رابطه دستگیر شدند که این امر اعتراض مقامات ایران را به دنبال داشت. به دنبال این رویداد در ماه آذر شاهد حمله ۱۵۰-۲۰۰ نفر افغان به کنسول‌گری ایران در هرات و وارد شدن خساراتی به دفتر صدور گذرنامه این نهاد بودیم. حمله‌کنندگان با طرح این ادعا که اعضای خانواده‌شان در هنگام عبور از مرز ایران توسط نیروهای مرزی ایرانی کشته شده‌اند، خواهان بازپس‌گیری اجساد کشته‌شدگان خود بودند، در حالی که دولت ایران بروز چنین حادثه‌ای را اساساً رد می‌کرد.

دامنه روابط غیردوستانه افغانستان در قبال ایران به موارد فوق محدود نماند و در اسفند ۱۳۹۱ شورای وزیران افغانستان با حضور حامد کرزی، طرح پاکسازی زبان دری از لغات بیگانه را تصویب کرد. این در حالی است که منظور از لغات بیگانه در این مصوبه، نه واژگان انگلیسی و عربی که واژه‌های فارسی است. پیش از این نیز حامد کرزی با استناد به این که تعداد متون علمی در زمینه‌های فنی- مهندسی و پزشکی در زبان فارسی محدود است، دانشگاه‌های این کشور را ملزم کرد دروس این دو گرایش را به زبان انگلیسی برگزار کنند. کرزی در توجیه اقدام خود پیشرفت‌های هند و پاکستان را مدیون زبان انگلیسی دانست. این در حالیست که زبان فارسی ریشه و قدمتی طولانی دارد و یکی از مهمترین عناصر نزدیکی دو ملت و عاملی مؤثر برای هم‌گرایی بیشتر دو کشور به خصوص در حوزه‌های فرهنگی و تمدنی به شمار می‌رود.

صرف نظر از رویدادهای فوق بی‌نتیجه‌ماندن روند مذاکرات صلح در این کشور و ابهام موجود در وضعیت خروج نیروهای ناتو از این کشور نه تنها مردم این کشور را نگران کرده، بلکه شرایط بی‌ثباتی را در محیط پیرامونی ایران رقم زده است.

در کنار رخدادهای امنیتی فوق، حکومت افغانستان در شهریورماه به درخواست آمریکا برای قطع روابط با بیست و چهار شرکت و چندین بانک ایرانی و عدم استفاده از راه ترانزیتی

ماه‌های آغازین این سال با بحث پیرامون پیمان راهبردی افغانستان و آمریکا آغاز شد، امری که موجب نگرانی ایران به عنوان کشور همسایه و مخالف حضور آمریکا در منطقه شد

حجم مبادلات تجاری ایران و افغانستان در ده ماهه ۱۳۹۱ معادل دو میلیارد و دویست و هشتاد و هفت میلیون دلار بود که در مقایسه با رقم سال قبل (۲ میلیارد و صد و هشتاد و هشت میلیون) افزایشی هرچند کم را نشان می‌دهد

آبی بندرعباس و تهدید آنها به قرار گرفتن در لیست سیاه آمریکا جواب رد داد. ضمن آنکه، تمایل به تأمین امنیت مرزی و گسترش روابط اقتصادی و تجاری و عمرانی که ضرورت همجواری است باعث شد پس از انجام برخی مذاکرات دوجانبه، معاون وزیر دفاع ایران و مشاور امنیتی وزیر امور خارجه افغانستان در مهرماه توافق دو کشور برای مدرنیزه کردن مرز و تعیین مختصات دقیق مرزی برای برطرف کردن اختلافات مرزی بین دو کشور را اعلام کردند. شرکت وزیر خارجه ایران در نشست منطقه‌ای کابل درباره امنیت و توسعه اقتصادی افغانستان و دیدار با رئیس‌جمهور و وزیر خارجه این کشور در خردادماه، برگزاری نشست سه‌جانبه ایران و هند و افغانستان با موضوع توسعه بندر چابهار در حاشیه اجلاس عدم تعهد و برگزاری چهارمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور در زمینه حمل و نقل، بانکداری، کشاورزی، بهداشت و...، توافق دو کشور برای ایجاد بازارچه‌های مرزی در مرز خراسان رضوی، امضای چندین تفاهم‌نامه و موافقتنامه در خصوص گسترش روابط علمی، احداث خط آهن و انتقال انرژی و آب و گسترش مناسبات ارتباطی و حضور رئیس‌جمهور افغانستان در اجلاس عدم تعهد در تهران، از نکات مثبت روابط دو کشور در سال ۱۳۹۱ بود. علاوه بر این لازم به ذکر است که حجم مبادلات تجاری دو کشور در ده ماهه ۱۳۹۱ معادل دو میلیارد و دویست و هشتاد و هفت میلیون دلار بود که در مقایسه با رقم سال قبل (۲ میلیارد و صد و هشتاد و هشت میلیون) افزایشی هرچند کم را نشان می‌دهد. با این حال، چندین برابر بودن میزان صادرات ایران به این کشور در مقایسات واردات از افغانستان گویای اهمیت بازار مصرف افغانستان و ظرفیت‌های موجود در این کشور برای تولیدکنندگان ایرانی است.

پاکستان

همانند افغانستان، پاکستان نیز به عنوان کشور همسایه و هم‌کیش تأثیر بسزایی بر امنیت ملی ایران دارد. با این حال برخلاف افغانستان به نظر می‌رسد پاکستان هیچ‌گاه به دنبال ایجاد تنش در مرز غربی خود با ایران نبوده است. این مسأله که تا حدود زیادی از احساس ناامنی پاکستان در مرزهایی شرقی‌اش با هند ناشی می‌شود، باعث شده دو کشور اغلب روابط دوستانه‌ای با یکدیگر داشته باشند. با این حال، ضعف حاکمیتی این کشور معمولاً مانع از آن شده تا دو کشور از مرزهای مشترک کاملاً امنی برخوردار باشند. در هر حال تلاش دو کشور ایران و پاکستان در سال ۱۳۹۱ که تا حد زیادی تحت تأثیر روابط پاکستان و آمریکا و نیازهای داخلی پاکستان قرار داشت، باعث شده است روابط دیپلماتیک دو کشور در این سال قابل توجه باشد.

در نگاه اول می‌توان گفت دولت پاکستان در سال ۱۳۹۱ همچنان با برخورداری از

اختلافات مذهبی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی به عنوان کشوری بی ثبات و منبع انتشار ناامنی به کشورهای همجوار حضور داشته است. در این سال در چندین مرحله در دی، بهمن و اسفندماه شاهد کشتار گسترده شیعیان از سوی گروه‌های افراط‌گرای اسلامی، به ویژه در کوئته و کراچی و ناتوانی ارتش پاکستان در تأمین امنیت شیعیان این کشور بودیم. امری که به اعتراضات گسترده شیعیان و برکناری برخی از مقامات محلی این کشور انجامید و تداوم آن اعتراضات دولت را وادار کرد تا با خواسته معترضان مبنی بر انحلال پارلمان تا ۲۶ اسفند موافقت کند.

روابط پرفراز و نشیب پاکستان با امریکا نیز پس از بازگشایی مجدد کریدور انتقال تدارکات ناتو توسط پاکستان و عذرخواهی وزیر خارجه امریکا به خاطر کشتار غیرنظامیان، همچنان نوسانات سیاست خارجی این کشور را به دنبال داشته است. طبیعتاً این نوسانات دامن گیر روابط با ایران نیز بوده است، چراکه از یک سو در سال ۱۳۹۱ شاهد وجود تعاملات مثبت دو کشور در زمینه انرژی و روابط تجاری بودیم که از آن جمله می‌توان به تأکید نخست‌وزیر پاکستان بر جدی‌بودن پاکستان در گسترش روابط با ایران در حوزه انرژی و تجارت، دیدار رئیس مجلس ایران و رئیس مجلس ایالتی پاکستان و توافق برای افزایش مبادلات تجاری به ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴، دیدار محمود احمدی نژاد با رئیس جمهور پاکستان در حاشیه دوازدهمین اجلاس سازمان همکاری شانگهای و اعلام آمادگی برای مبادله انرژی برق و گاز با محصولات پاکستانی اشاره کرد. از طرف دیگر، لغو سفر آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان به ایران - که با هدف نهایی کردن قرارداد خط لوله صلح صورت می‌گرفت - در آخرین لحظات در آذرماه این شبیه را ایجاد کرد که این اقدام تحت تأثیر کمک ۲۰ میلیون دلاری آمریکا به این کشور صورت گرفته است.

حضور پاکستان در نشست‌های مربوط به صلح و امنیت افغانستان و مذاکره با طالبان از جمله نشست آنکارا، لندن، و شیکاگو نیز ضمن آنکه به لحاظ تمایل این کشور برای استقرار صلح ارزنده است و در صورت تحقق می‌تواند منافع زیادی را برای ایران به دنبال داشته باشد اما همانند نقش آفرینی‌های ترکیه و کشورهای فرامنطقه‌ای یادآور برکنار ماندن ایران از مذاکرات دیپلماتیک منطقه است.

با این حال روابط دیپلماتیک و تعاملات دوجانبه و چندجانبه دو کشور نیز در سال ۱۳۹۱ چشمگیر و قابل توجه بوده است که از آن جمله می‌توان به حضور رئیس جمهور، وزیر خارجه و هیأت کارشناسی پاکستان در اجلاس عدم تعهد، سفر رئیس مجلس سنای پاکستان به ایران و دیدار با رئیس مجلس و رئیس جمهور ایران، رایزنی وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه پاکستان و قزاقستان در حاشیه اجلاس سازمان همکاری اسلامی درباره غزه، برگزاری نشست ۲+۳ با

پاکستان در سال ۱۳۹۱ همچنان با برخورداری از اختلافات مذهبی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی به عنوان کشوری بی ثبات و منبع انتشار ناامنی به کشورهای همجوار حضور داشته است

پاکستان ایران را به عنوان یکی از رقبای خود در افغانستان به شمار می‌آورد و در این راستا تلاش می‌کند تا با حضور گسترده‌تر در مذاکرات چندجانبه مربوط به افغانستان موقعیت برتری نسبت به رقبای منطقه‌ای خود از جمله ایران و هند داشته باشد

ترکیه و مصر و پاکستان و اندونزی راجع به سوریه و در نهایت سفر رئیس جمهور پاکستان به ایران و دیدار با مقامات عالی‌رتبه نظام و تأکید بر اجرایی‌شدن خط لوله صلح اشاره کرد. در کنار دیدارها و مناسبات فوق می‌توان به حمایت پاکستان از حقوق هسته‌ای ایران و مخالفت با تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران به عنوان مواردی از حسن نیت این کشور نسبت به مسأله هسته‌ای ایران اشاره کرد. در این میان، آنچه بیش از همه قابل توجه بود سفر آقای احمدی‌نژاد و آقای ولایتی به پاکستان استقبال مقامات پاکستانی از وی در بالاترین سطح دیپلماتیک بود که گویای اهمیت فوق‌العاده روابط ایران و پاکستان برای پاکستان در مقطع کنونی است. همچنین، دولت پاکستان به رغم فشارهای گسترده آمریکا و تلاش‌های گسترده عربستان برای متقاعد کردن پاکستان به انصراف از خط لوله صلح در بهمن‌ماه سال جاری طرح نهایی احداث خط لوله صلح را با کمک مالی ۵۰۰ میلیون دلاری ایران و توسط پیمانکار ایرانی به تصویب رساند که این مسأله از نیازهای داخلی و تحولات روابط خارجی این کشور در این سال سرچشمه می‌گرفت.

در واقع، وجود روابط دوستانه مابین دو کشور باعث شده است تا ایران به آزمایش موشک‌های دوربرد که در اردیبهشت و موشک‌های کوتاه برد سطح به سطح مدل هاتف ۲ که در بهمن ماه ۱۳۹۱ انجام شد واکنش نشان ندهد و آنرا نه در چارچوب تهدید علیه خود که در قالب رقابت‌های هسته‌ای این کشور با هند تلقی کند در غیر این صورت آزمایش‌های موشکی این کشور می‌توانست به عنوان تهدیدی جدی علیه ایران قلمداد گردد.

برآورد تحلیلی

مروری بر تحولات افغانستان در سال ۱۳۹۱ گویای وجود دو روند متناقض در روابط ایران و افغانستان است. از یک سو امضای تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای همکاری مشترک دو کشور در سطح دو و چند جانبه (که برخی از شاخص‌ترین آنها در اینجا ذکر شد) گویای نیاز گسترده این کشور به ایران است. این نیاز که در بیشتر موارد به مقتضای همجواری و ویژگی ژئوپلیتیک دو کشور شکل گرفته است، در بسیاری از موارد از طریق کشورهای دیگر قابل رفع نیست یا با هزینه‌های زیاد قابل برطرف کردن است و از این روست که دولت افغانستان با مقاومت در برابر خواست آمریکا مبنی بر قطع روابط تجاری و استفاده نکردن از راه‌های ارتباطی ایران در صدد ممانعت از دست‌دادن منافع اقتصادی خود در تأمین نیازهای خود از طریق ایران است.

در نقطه مقابل، روند دیگر حاکی از افزایش تبلیغات منفی و موضع‌گیری جامعه افغان و همچنین اتهام‌زنی‌های مقامات افغان در مقابل ایران است که بر خلاف قواعد رفتار دوستانه

و همکاری جویانه است و به نظر می‌رسد چون دولت افغانستان خود را به لحاظ راهبردی و امنیتی نیازمند آمریکا می‌داند نه تنها تلاشی در جهت جلوگیری از سوءبرداشت‌ها نمی‌کند، بلکه خود به آن دامن می‌زند. به علاوه نباید ضعف عملکرد ایران در کاربست دیپلماسی عمومی و استفاده از ظرفیت عظیم مهاجران افغانی برای نزدیک کردن هرچه بیشتر دو کشور را نادیده گرفت.

مرور تحولات پاکستان نیز نشان‌دهنده وجود روابط مسالمت‌جویانه، به ویژه در حوزه اقتصادی و تجاری بین دو کشور است. صرف نظر از پیشینه روابط دو کشور که در بیشتر مواقع بر دوستی دوجانبه استوار بوده، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی تیرگی روابط پاکستان و آمریکا که در نتیجه حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به این کشور تداوم یافته است، رقابت منطقه‌ای این کشور با هند تاثیر مهمی بر تمایل پاکستان به گسترش روابط تجاری با ایران داشته است. نمونه بارز این اثرگذاری را می‌توان در لغو سفر زرداری به ایران مشاهده کرد چرا که دولت پاکستان همواره از روابط خود با ایران به عنوان تهدیدی علیه آمریکا و ترغیب آن به تمکین از خواسته‌های خود استفاده کرده است و هر زمان که منافع خود را تامین کرده به این قبیل مانورها پایان داده است. در عین حال باید در نظر داشت که پاکستان ایران را به عنوان یکی از رقبای خود در افغانستان به شمار می‌آورد و در این راستا تلاش می‌کند تا با حضور گسترده‌تر در مذاکرات چندجانبه مربوط به افغانستان موقعیت برتری نسبت به رقبای منطقه‌ای خود از جمله ایران و هند داشته باشد.

برآورد مقایسه‌ای

مقایسه تحولات سال ۱۳۹۱ با ۱۳۹۰ گویای آنست که تنها تعداد کمی از تهدیدات ایران در مرزهای شرقی نسبت به سال گذشته کمرنگ‌تر شده‌اند که از آن جمله می‌توان به کاهش نفوذ شبکه‌های تروریستی داخل ایران از مرز پاکستان اشاره کرد. در عین حال، تهدیداتی چون قاچاق سوخت و مواد مخدر، ورود مهاجران غیر قانونی و وجود گروه‌های بنیادگرا همانند گذشته پابرجا هستند. ضمن آنکه، تثبیت موقعیت آمریکا در افغانستان به صورت نهادینه و قانونی و حکومتی شدن مخالفت‌ها و اتهامات افغان‌ها نسبت به ایران از جمله تهدیداتی هستند که در سال جاری به فهرست چالش‌های ایران در مرز شرقی افزوده شده‌اند.

در رابطه با پاکستان نیز کشش شیعیان و ضعف حکومت در تأمین امنیت، هرچند مسأله جدیدی در پاکستان نیست، اما گسترش ابعاد این مسأله در سال ۱۳۹۱ از جمله تحولات مهم سال ۱۳۹۱ در مقایسه با سال ۱۳۹۰ است. علاوه بر این، حضور فعالانه پاکستان در مذاکرات مرتبط با صلح در افغانستان از جمله تحولاتی است که در سال‌های گذشته کمتر شاهد آن

بودیم. در سال ۱۳۹۱، این حضور به ویژه در نشست سه‌جانبه لندن منجر به توافق بر سر تعیین خط دیوراند به عنوان خط مرزی با افغانستان شد که به لحاظ امنیتی اهمیت زیادی دارد. ضمن آنکه حضور نیروهای امنیت و اطلاعات و ارتش پاکستان در این مذاکرات نیز مسأله‌ای است که در سال‌های گذشته به عنوان حلق مفقوده‌ای برای تأمین صلح در منطقه محسوب می‌شد.

چشم‌انداز ۱۳۹۲

رابطه ایران با غرب و به ویژه مسأله هسته‌ای ایران، رقابت‌های منطقه‌ای و محدودیت منابع داخلی به لحاظ وجود تحریم‌ها متغیرهای مهمی هستند که در روابط ایران با بسیاری از کشورها از جمله افغانستان و پاکستان نقش ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد در صورت تداوم یا بدتر شدن شرایط کنونی تغییر مثبتی نیز در روابط ایران و افغانستان اتفاق نخواهد افتاد و نگرانی‌های ایران از بابت حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان، بدتر شدن افکار عمومی نسبت به ایران و تشدید راه‌پیمایی‌های ضد ایرانی، اتهام‌زنی‌های مقامات رسمی ادامه یابد و همه این اقدامات در راستای استفاده از کارت ایران برای امتیازگیری از غرب صورت خواهد گرفت. در واقع آنچه می‌تواند شرایط آینده را به نفع ایران تغییر دهد، از یک سو حذف محدودیت منابع با برداشتن تحریم‌ها به نحوی که ایران بتواند بسیاری از نیازهای این کشورها را با هزینه‌های کمتر تأمین کند و از سوی دیگر، تمرکز بیشتر دستگاه دیپلماتیک بر این کشورها به ویژه در حوزه دیپلماسی عمومی است.

در رابطه با پاکستان، تجربه تاریخی ثابت کرده است شدت و ضعف نزدیکی پاکستان به ایران تحت تأثیر روابط این کشور با آمریکا قرار دارد و بنابراین، در صورت بهبود روابط دوجانبه پاکستان و آمریکا، می‌توان انتظار کم‌رنگ‌تر شدن روابط با ایران را داشت. با این حال، احساس ناامنی سنتی پاکستان در مرزهای شرقی، اوضاع نابسامان داخلی و ضعف حکومت این کشور، اجازه ایجاد چالش در مقابل ایران را به این کشور نمی‌دهد و در نهایت، این احتمال وجود دارد که پاکستان از پیشنهادات مطرح‌شده از سوی کشورهای چون عربستان برای چانه‌زنی بیشتر با ایران در رابطه با قیمت گاز و برق استفاده کند. نتیجه معکوس این تحولات اینست که به موازات بهبود روابط ایران با غرب و بدتر شدن روابط پاکستان و آمریکا می‌توان انتظار بهبود روابط افغانستان با ایران و پاکستان با ایران را داشت. هرچند به دلیل احساس نگرانی کشورهای همسایه از وجود همسایه قدرتمند و رو به رشد در منطقه، مسائل مربوط به موازنه قدرت در منطقه پابرجا خواهد ماند.